

سرآغاز طریقت کابالا به اوایل سده سیزدهم میلادی و به اسحاق کور (۱۱۶۰-۱۲۳۵) می‌رسد. او در بندر ناربون (جنوب فرانسه) می‌زیست و برخی نظرات عرفانی بیان می‌داشت. تعالیم اسحاق کور چون سایر آموزش‌های عرفانی است که برای کمال معنوی مراتب مختلف قائل‌اند و سیری استعلایی را برای رسیدن به کمال مطلق پیشنهاد می‌کنند. مفهوم «عین صوف» [۳۳] ساخته اوست. این مفهوم را، که به معنی «لایتناهی» است، اسحاق به معنی خداوند به کار برد ولی بعدها به معنی نظام هستی به‌طور عام به کار گرفته شد. [۳۴]

دوران شهرت اسحاق کور در بندر ناربون مصادف است با سلطنت جیمز اول، شاه آراگون (۱۲۱۳-۱۲۷۶). جیمز اول از سال ۶۲۷ ق. / ۱۲۲۹ م. به دولت‌های اسلامی اندلس هجوم برد و موجی از جنگ‌های صلیبی را علیه اسپانیای اسلامی برانگیخت که «باز پس‌گیری» [۳۵] خوانده می‌شد. در حوالی نیمه سده سیزدهم میلادی جیمز اول آراگون، که اینک به «جیمز فاتح» شهرت داشت، از قدرت‌های سیاسی و نظامی درجه اول اروپا و از سرکردگان جنگ‌های صلیبی به شمار می‌رفت. «جیمز فاتح» با الیگارش‌ی یهودی رابطه نزدیک داشت؛ وزیر مالی‌هاش یهودا لاوی (جودا دلا کوالریا) بود و در دربارش یهودیان ثروتمند دیگر نیز حضور داشتند. در تهاجم جیمز به سرزمین‌های اسلامی، این یهودیان نقش مهمی ایفا کردند و حکومت شهرهایی که به اشغال در می‌آمد عموماً به ایشان واگذار می‌شد. در این زمان یک حاخام یهودی به نام موسی بن نهمان، معروف به نهمانیدس (۱۱۹۴-۱۲۷۰)، در دربار جیمز حضور داشت که با نام اسپانیایی «بناستروگ داپورتا» نیز شناخته می‌شود. نهمانیدس «بزرگترین مقام دینی [یهودیان] عصر خود در اسپانیا» به شمار می‌رفت و در اسپانیا زمانی که از «ربی»، به معنای مطلق کلمه، سخن می‌رفت منظور نهمانیدس بود. نهمانیدس با مه‌یر بن تودروس ابولافی، یهودی قدرتمند آن زمان و رئیس یهودیان اسپانیا، دوستی نزدیک داشت و مورد علاقه فراوان و مشاور جیمز اول بود. [۳۶]

نهمانیدس، با الهام از نظرات اسحاق کور، در شهر گرونا یک مرکز فعال تصوف یهودی ایجاد کرد. مرکز فوق در پیدایش فرقه کابالا، اشاعه آن در سراسر شبه جزیره ایبری و تولید انبوهی از رساله‌های کابالی نقش اصلی را ایفا نمود. مورخین یهودی جایگاه نهمانیدس را در پیدایش و اشاعه کابالا مهم و تعیین‌کننده می‌دانند. تألیفات نهمانیدس حدود ۵۰ کتاب و رساله در سه زمینه تفسیر تورات، فقه تلمودی و کابالاست. رساله‌های نهمانیدس تا سال ۱۳۲۵ میلادی منبع اصلی تغذیه فکری کابالیست‌ها بود. تصوف کابالا مدعی شناخت خداوند، آفرینش و رازهای نظام هستی بود؛ تکاپویی ذهنی که برای هر انسان جاذبه شگرف دارد. اندیشه‌پردازان و گردانندگان فرقه کابالا مدعی بودند که این طریقت مکمل تورات است؛ اسراری است که خداوند به‌طور شفاهی و خصوصی به موسی ابلاغ کرد تا تنها در اختیار محرمان «قوم برگزیده» قرار گیرد. دین یهود پوستانه‌ای است آشکار و همه‌فهم از مفاهیم رازآمیز هستی که قلب ناشناخته آن کابالاست. این اسرار از زمان موسی، نسل به نسل، در خواصی از یهودیان به میراث

ماند تا به امروز رسید. عنوان کابالا (قباله) ناظر به دعوی کهنسالی میراث فوق است. این ادعا در فضای آن روز قاره اروپا، که ساحری و کیمیاگری بازار گرم داشت، جاذبه‌ای شگرف یافت و تأثیری چنان عمیق برجای نهاد که تا به امروز پابرجاست. مکتب کابالا کارکرد احیاء و ترویج آرمان‌های مسیحایی را به دست گرفت و این آرمان‌ها در بنیاد تحریکات جنگ‌افروزانه صلیبی سده سیزدهم و تکاپوهای شبه‌صلیبی و نوصلیبی سده‌های پسین جای داشت. در سده چهاردهم میلادی، هسته‌های فرقه کابالا در جوامع یهودی سراسر جهان، به ویژه در بنادر ایتالیا، گسترده شد. از طریق ایتالیا، که قلب جهان مسیحیت به شمار می‌رفت، پیشگویی‌های اسرارآمیز درباره ظهور قریب‌الوقوع مسیح و استقرار سلطنت جهانی او، به مرکزیت بیت‌المقدس، رواج یافت و دربار پاپ در رم و سایر کانون‌های فکری و سیاسی دنیای مسیحی را به شدت متأثر ساخت. در تمامی این دوران منجمین بانفوذ یهودی، یکی پس از دیگری، درباره ظهور قریب‌الوقوع «ماشیح» (مسیح) پیشگویی می‌کردند. یک نمونه گرسونیدس، نوه نهمانیدس، است که ظهور مسیح بن داوود را در سال ۱۳۵۸م. پیش‌بینی می‌کرد.

کتاب ظُهر

در اواخر سده سیزدهم میلادی، با تدوین کتاب ظُهر، [۳۷] تصوف رازآمیز کابالا به صورت یک نظام فکری و عملی سامان‌یافته و منسجم درآمد و شکل نهایی خود را یافت. این کتاب را موسی بن شم تاو لئون (۱۲۴۰-۱۳۰۵) در سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۸۶ نوشت. «ظُهر»، به معنی «درخشش» و «جلال»، با واژه‌های مشابه در زبان عربی خویشاوند است. کتاب ظُهر نوشته‌هایی است در تفسیر و تأویل تورات و سایر کتب مندرج در عهد عتیق به زبان آرامی. این کتاب به شیوه متون عرفانی رایج در دنیای اسلام تدوین شده که از زبان نماد و تمثیل و داستان‌های رازآمیز برای بیان عقاید خود بهره می‌بردند.

موسی لئون برای معتبر کردن کتاب خود، آن را به گذشته‌های دور، به حاخامی به نام شمعون بن یوحای منتسب کرد که گویا در سده دوم میلادی می‌زیست: شمعون بن یوحای از چنگ رومی‌ها می‌گریزد، به مدت ۱۳ سال در غاری پناه می‌گیرد، در این مدت به عبادت و تفکر می‌پردازد و سرانجام رازهای هستی بر او آشکار می‌شود. موسی به کلی منکر تدوین این کتاب بود و ادعا می‌کرد که یک زن یهودی و دخترش برخی دست‌نوشته‌های قدیمی را در اختیار او نهادند و وی در میان آنها کتاب ظُهر را یافت. اصالت این کتاب از همان ابتدا مورد تردید قرار گرفت و از جمله زن و دختر فوق منکر داستان موسی لئون شدند. مضمون کتاب و اشارات تاریخی آن نیز قدمت منتسب به آن را مردود می‌سازد. برای نمونه، بسیاری از شخصیت‌هایی که در کتاب ظُهر از آنان یاد شده معاصر شمعون بن یوحای فوق‌الذکر نبودند. امروزه محققین، اعم از یهودی و غیریهودی، تردیدی ندارند که کتاب ظُهر در فاصله سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۰۰ میلادی تدوین شده و مصنف آن موسی لئون است. [۳۸]

انتشار کتاب ظُهر یک‌باره صورت نگرفت. ابتدا برخی یهودیان نامدار، به ویژه تودورس ابولافی، در آثارشان به بخش‌های کوتاهی از ظُهر، به عنوان یک اثر کهن و معتبر و نایاب که گویا تنها در دسترس برخی خواص است، استناد کردند و همگان را تشنه آن

نمودند. به تدریج و در یک دوره نسبتاً طولانی فصل‌هایی از کتاب ظاهر در محافل کابالی آشکار شد. در سده شانزدهم نسخ

دستنویس ظاهر در کانون‌های فرهنگی اروپا پخش شد و سرانجام در سال‌های ۱۵۵۸-۱۵۶۰ به چاپ رسید.

این کتاب در سده شانزدهم به زبان‌های لاتین و عبری ترجمه و منتشر شد. در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۵۸ متن کامل ظاهر به همراه

ترجمه عبری، حواشی و توضیحات و اضافات در ۲۲ جلد در اورشلیم به چاپ رسید. در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۴ ترجمه انگلیسی

متن کامل ظاهر در پنج جلد در لندن منتشر شد. این ترجمه در سال ۱۹۷۸ تجدید چاپ شد. [۳۹] در سال ۲۰۰۳ دانشگاه

استانفورد ترجمه منقحی از کتاب ظاهر در دو جلد منتشر کرد. [۴۰]

کتاب ظاهر مشتمل بر ۲۴ فصل است. بخش عمده این اثر شرح گفتگوهای شمعون بن یوحای با حلقه مریدان و شاگردانش است

که در آن مکاشفات خود و رازهای هستی را فاش می‌کند. این فصل‌ها نام‌هایی چون «ایدرا ربا» [۴۱] (مجمع بزرگ)، «ایدرا

زوتا» [۴۲] (مجمع کوچک)، «راز درازین» [۴۳] (راز رازها)، «ستری توره» [۴۴] (اسرار تورات) و غیره را بر خود دارد. این مجموعه

شامل حدود دو هزار صفحه چاپی است ولی پیروان فرقه کابالا مدعی‌اند که این تنها بخش کوچکی از کتاب اصلی است که در

گذشته‌های دور چهل شتر آن را حمل می‌کرد. کابالیست‌ها کتاب ظاهر را به سان کشتی نوح می‌دانند که حاملین خود را از توفان

نجات می‌دهد؛ خداوند نخستین بار از طریق شعله آتش خود را بر موسی ظاهر کرد، ولی بر موساهای پسین از طریق «نور توره»

ظهور می‌کند و آن انکشاف رازهای «قباله» (کابالا) است.

مفاهیم رازآمیز این کتاب سرشار از پیشگویی درباره سرنوشت و «رسالت الهی» و آینده قوم یهود است. پیشگویی‌های کتاب، از

آنجا که به شمعون بن یوحای در سده دوم میلادی نسبت داده می‌شود، طبعاً حیرت‌انگیز است و اعتماد خواننده را به

پیشگویی‌های آینده‌ای که رخ نداده جلب می‌کند. در کتاب ظاهر وضع کنونی یهودیان «دوران گذار» توصیف شده که سرآغاز

دوران ظهور مسیح است. ابتدا موسی ظهور خواهد کرد و راه را برای ظهور دو مسیح خواهد گشود: مسیح بن یوسف و مسیح بن

داوود. نام مسیح بن یوسف، که با عیسی بن مریم انطباق دارد، طبعاً اعتماد مسیحیان را به این پیشگویی جلب می‌کرد. مسیح بن

داوود نیز همان «مسیح موعود» (ماشیح) یهودیان است. بدینسان، تصوف کابالا از همان آغاز این توانایی بالقوه را داشت که به

طریقتی مشترک در میان مسیحیان و یهودیان بدل شود.